هم کلاسی

Hamkelasi.ir

گونه شناسی **ادبیات جهان**

درس هفدهم **سپیده دم**

بند اول : تو را « جنوب » نامیــدم

قلمرو ادبی: جنوب: نماد « مقاومت و قیام »

قلمرو فکری: ای سرزمین جنوب لبنان ، تو را به این دلیل « جنوب» گفتم.

ای که رَدای حسیــن را بر دوش

قلمرو زبانی: ردا : بالا پوش ، جُبّه / ای (کسی) که: حذف به قرینه معنوی و « داری » حذف به قرینه لفظی

قلمرو ادبی: تلمیح به حماسهٔ عاشورا

قلمرو فکری: که ادامه دهندهٔ آرمان های امام حسین (ع) هستی.

و خورشیــد کربلا را در بر داری

قلمرو ادبی: استعاره: « خورشید کربلا » استعاره از امام حسین (ع) / خورشید کربلا را....: کنایه از ادامه دهنده آرمان های امام حسین هستی.

و پیامبران بر می خیزند. / تلمیح به برانگیخته شدن پیامبران / خورشید کربلا : تشبیه

قلمرو فکری: و امام حسین (ع) روشنی بخش اهداف تو است.

ای سـرخ گل که فـداکاری پیشه کردی

قلمرو زبانی : پیشه: شغل / سرخ گل: ترکیب وصفی مقلوب

قلمرو ادبی: « سرخ گل» استعاره از « امام موسی صدر» / ردای حسین: مجاز از روش و سلوک امام حسین / بر دوش داشتن: کنایه از پذیرفتن مسئولیت / خورشید: نماد آگاهی و بصیرت

قلمرو فکری: ای امام موسی صدر، که در راه رسیدن به اهداف بلند ، فداکاری کرده ای.

ای انقــلاب زمیــن که با انقلاب آسمــان بَرین / پیوند خورده ای

قلمرو زبانی: برین: اعلی ، بالایی

قلمرو ادبی : پیوند خوردن: کنایه از همراهی / زمین و آسمان: تضاد

قلمرو فکری: ای امام موسی صدر، که توانستی انقلاب زمینی (مبارزه با اشغالگران) رنگ بوی آسمانی (خدایی) ببخشی.

ای سـرزمینی کز خـاکت/ خوشه های گنـدم می روید

قلمرو ادبی: خوشه های گندم: نماد فراوانی نعمت و برکت - خوشه های گندم: مجاز و استعاره از زندگی

قلمرو فکری: ای سرزمینی که خاکت سرشار از برکت و سرسبزی است.

و پیامبــران بر می خیزند

قلمرو ادبی : پیامبران بر می خیزند: تلمیح به بعثت پیامبران از سرزمین لبنان و ...

قلمرو فکری: و این نشانهٔ مقدس بودن سرزمین تو است که پیامبران از آن جا برخاسته اند.

***

بند دوم : تو را جنوب نامیدم

قلمرو فکری: تو را به این دلیل جنوب نامیدم که

ای کشتی های صیّـادی که مقـاومت پیشه کرده اید

قلمرو ادبی: تشخیص: کشتی های صیادی مقاومت بکنند. / مجاز : تمام لبنان حتی کشتی ها مقاومت می کنند. / کشتی صیادی: مجاز از ماهی گیران

قلمرو فکری: ای کشتی هایی که در کمین دشمن هستید و مقاومت، پیشهٔ شماست

ای ماهی دریا که مقـاومت پیشه کرده ای

قلمرو ادبی: تشخیص: ماهی مقاومت کند. / ماهی دریا: مجاز از رزق و روزی

قلمرو فکری: ای ماهی هایی که با مقاومت همگام هستید.

ای دفتـر های شعـری که مقـاومت پیشه کرده اید

قلمرو ادبی: تشخیص : دفتر های شعر مقاومت کنند/ دفتر شعر: مجاز از شاعران مقاومت

قلمرو فکری: ای دفترهای شعری که رسم مقاومت را می دانید و پایداری می سرایید.

ای روز های عـاشورا

قلمرو ادبی : ای روزهای مانند روز عاشورا: تشبیه / در ضمن تلمیح به کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا

قلمرو فکری: ای روزهای عاشورایی (سرزمینی که همیشه شهدای زیادی را تقدیم می کنی.)

***

بند سوم : تو را جنوب نامیدم

قلمرو فکری: تو را به این دلیل جنوب صدا زدم که تو را آب ها و خوشه ها

قلمرو ادبی: آب: نماد « پاکی و حیات» / خوشه : نماد « فراوانی نعمت و سرسبزی »

قلمرو فکری: تو مظهر حیات و باروری و برکت هستی.

و ستـارهٔ غروب نامیـدم

قلمرو ادبی : ستاره: نماد امیدواری، راهنمایی / غروب و سپیده دم: تضاد

قلمرو فکری: تو مثل ستارهٔ غروب ، راهنمای مبارزه با اشغالگران هستی.

تو را سپیـده دمی در انتظـار زاده شدن

قلمرو ادبی: سپیده دم : نماد امیدواری / استعاره و تشخیص: سپیده دم در انتظار است. / در انتظار زاده شدن سپیده دم: کنایه از نزدیک بودن پیروزی انقلاب

قلمرو فکری: تو سپیده دم پیروزی بر اشغالگران هستی.

گروه ادبیات فارسی آذربایجان شرقی

و پیـــکری در اشتیـــاق شهـــادت نامیـــدم

قلمرو فکری: و تمام لبنان آمادهٔ فدا کردن جان خود هستند.

تو را انقـــلاب و شگفتی و تغییـــر نامیـــدم

قلمرو ادبی : شگفتی و تغییر : مراعات نظیر

قلمرو فکری: تو انقلابی به پا کردی بر خلاف باورهای غلطی که نباید با اشغالگران مبارزه کرد ، و شگفتی ساز شدی و باورها را تغییر دادی.

تو را پاک و پاکیـــزه و ارجمنـــد و توانا نامیـــدم

قلمرو زبانی: تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم / تو: مفعول / پاک: مسند / پاکیزه، ارجمند، توانا: معطوف (واو: عطف) / نامیدم: فعل

قلمرو فکری: تو ای سرزمین مقدس ، پاک و توانا هستی.

***

بند چهارم : تو را جنوب نامیدم

قلمرو فکری: تو را به این دلیل جنوب نامیدم که

ای چون سبـــزه برآمده از دفتـــر روزگاران

قلمرو زبانی : برآمده: رشد کرده

قلمرو ادبی: دفتر روزگاران: اضافهٔ تشبیهی / ای چون سبزه برآمده: تشبیه

قلمرو فکری: تو در برابر سختی ها و مشکلات ، مانند سبزه زیبا و با طراوت هستی.

ای مســـافر دیرین بر روی خـــار و درد

قلمرو زبانی: دیرین : قدیمی ، کهن / « خار » هم آوا « خوار »

قلمرو ادبی: مسافر دیرین: استعاره از لبنان / استعاره : خار (رنج و سختی) / مسافر بر روی خار بودن: کنایه از در سختی بودن

قلمرو فکری: مقاومت و ظلم ستیزی تو سابقه ای طولانی دارد .

ای چون ستـــاره ، فـــروزان

قلمرو ادبی: چون ستاره: تشبیه . فروزان: وجه شبه

قلمرو فکری: ای سرزمینی که در مبارزه با اشغالگران همانند ستاره ای می درخشی و راهنمای مبارزان هستی.

ای چون شمشیـــر ، درخشـــان

قلمرو ادبی: تشبیه. درخشان: وجه شبه / شمشیر: نماد مبارزه

قلمرو فکری: ای سرزمینی که چون شمشیر همیشه درخشان برّان هستی.

بگـــذار بوسه زنیـــم بر شمشیـــری که در دستـــان توست

قلمرو ادبی: « بوسه بر دست زدن » کنایه از « تشکر کردن »

قلمرو فکری: تو قابل ستایش و تمجید هستی.

بگـذار گرد و خـاک قدم هایت را بر گیـریم

قلمرو ادبی: گرد و خاک قدم هایت را برگیریم: کنایه از « احترام گذاشتن – قدردانی »

قلمرو فکری: من با احترام گذاشتن به تو ، تمام خستگی ها را از تنت بیرون می کنم.

***

بند پنجم: ای سـرور باران ها و فصـل ها،

قلمرو زبانی: سروَر: بزرگ / حماسه: دلاوری

قلمرو ادبی: سرور باران و فصل: اغراق / باران : نماد طراوت و رویش / فصل : نماد تغییر و دگرگونی / مصراع: استعاره از امام موسی صدر

قلمرو فکری: تو برای ما رویش و طراوت می آوری و تو مرد تمام فصل ها (تغییرات) هستی.

تو را عطـری نامیـدم که در غنچه ها خانه دارد

قلمرو ادبی: تشبیه (تو مشبه . عطر مشبه به)

قلمرو فکری: تو عطری در میان غنچه ها هستی که فعلا ناشناخته ماندی.

تو را پرستو نامیـدم

قلمرو ادبی: تشبیه: تو مشبه . پرستو مشبه به / پرستو: نماد آزادی و بشارت

قلمرو فکری: تو همانند پرستوی مهاجری هستی که برای ما آزادی را بشارت می آورد.

ای سـرور سـروران!

قلمرو فکری: ای کسی که بزرگ همه هستی.

ای برترین حمـاسه!

قلمرو فکری: ای کسی که برترین حماسه را خلق کردی. (مقاومت در برابر اشغالگران)

***

بند ششم: دریا متنی نیلگون است / که علی آن را می نویسد

قلمرو زبانی: گون: پسوند شباهت / نیل: آبی

قلمرو ادبی: تشبیه : دریا متنی نیلگون است / به انتظار مهدی: تلمیح

قلمرو فکری: دریای حقیقت (آزادی) مثل متن آبی نیلوفری است که علی(ع) نویسندهٔ آن است.

و مریـم هر شب، روی شن ها / به انتظـار مهـدی می نشینـد

قلمرو فکری: و حضرت مریم هر شب، روی شن های ساحل به انتظار حضرت مهدی می نشیند.(زنان لبنان در انتظار عدالت هستند.)/ انتظار مریم برای مهدی(عج) نشان دهنده این است که انتظار مفهومی فرا دینی و فرا مذهبی است

و گل هایی را می چینـد / که از انگشتـان شهیـدان می رویند

قلمرو ادبی: استعاره مکنیه (انگشتان به خاک یا گلستانی تشبیه شده که از آن گل می روید.)

قلمرو فکری : و در انتظار گل هایی است که شهدا زمینه ساز ظهور آن هستند. (زنان لبنان از ثمرهٔ خون شهیدان بهره مند می شوند.)

***

بند هفتم: تاریخ روزی ، روستـای کوچـکی را/ از روستـاهای جنوب به یاد خواهـد آورد

قلمرو ادبی : تشخیص: تاریخ چیزی را به یاد بیاورد.

قلمرو فکری: تاریخ همیشه نام روستای کوچکی را به یاد خواهد داشت.

که « معـرکه » خوانده می شود.

قلمرو ادبی : ایهام: معرکه : الف) میدان جنگ ب) نام روستا (روستای « معرکه» در جنوب لبنان ، زادگاه اجداد امام موسی صدر است.)

قلمرو فکری: که نام آن معرکه است.

روستـایی که با « صـدر» ش؛ با سینه اش / از شـرافت خـاک و کرامت انسـان بودن دفاع کرد

قلمرو زبانی : شرافت: شریف بودن / کرامت: جوانمردی، بخشش

قلمرو ادبی: ایهام : صدر : ۱- امام موسی صدر ۲- سینه / خاک: مجاز از سرزمین / شرافت خاک: تشخیص

قلمرو فکری: روستایی که با امام موسی صدر ، برای دفاع از شرافت سرزمین و انسانیت قیام کرد.

***

بند هشتم: سـرورم! ای سـرور آزادگان!

قلمرو فکری: آقایم ، ای سرور آزادگان

در زمانهٔ سقوط و ویرانی/ جز تو ، کسی نمـانده است.

قلمرو فکری: در زمانه ای که همه در برابر اشغالگران تسلیم شده اند و به فکر خود هستند ، تنها تو هستی که پرچم مبارزه را برافراشته ای و نجات بخش ما هستی.

که در زندگی ما نخـل و عنب و تاکستـان بکارد

قلمرو زبانی : نخل: درخت خرما / عنب: انگور / تاکستان: باغ انگور

قلمرو ادبی: نخل و عنب و تاکستان: نماد سرسبزی و برکت و نعمت / نخل و عنب و تاکستان: مراعات نظیر

قلمرو فکری: این تو هستی که به ما زندگی می بخشی و امیدوارمان می سازی.

جـز تو کسی نمـانده است./ مگـر تو! / مگـر تو!

پس درهای امیـد و روشنـایی را به روی ما بگشـای!

قلمرو زبانی : مگرتو: تکرار

قلمرو ادبی: درهای امیـد و روشنـایی ، استعاره: امید و روشنایی مانند خانه ای است که در دارد (می توان تشبیه هم در نظر گرفت. « امید و روشنایی مانند دری هستند.) / در گشودن: کنایه از امیدواری بخشیدن

قلمرو فکری: پس همچنان به ما امید ببخش. « سمفونی پنجم جنوب » نزار قَبّانی (۱۹۸۸- ۱۹۲۳م)

(با کاهش و اندکی تغییر)

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی:

۱- اکنون برپایهٔ نمونه های داده شده ، نمودارهای زیر را کامل کنید:

الف) تناسب

بهشت

لاله زار عطر سرسبزی

گل

ب) ترادف

عفو

سخاوت کرامت جوانمردی

بخشندگی

۲- از میان موارد زیر ترکیب های وصفی و اضافی را جدا کنید ؛ سپس هستهٔ هر یک را مشخص نمایید.

ستارهٔ غروب (ترکیب اضافی ، هسته : ستاره) / سَرور آزادگان (ترکیب اضافی ، هسته : سرور) / مسافر دیرین (ترکیب وصفی ، هسته : مسافر) / ماهی دریا (ترکیب اضافی ، هسته : ماهی) / برترین حماسه (ترکیب وصفی، هسته : حماسه)

۳- در مصراع زیر ، نقش دستوری اجزای مشخّص شده را بنویسید.

« پس ، درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای»

پس(قید) درهای امید و روشنایی (گروه مفعولی ، در: هسته – امید : مضاف الیه- روشنایی: معطوف به مضاف الیه) روی (متمم) ما (مضاف الیه) بگشای (فعل)

قلمرو ادبی:

۱) مصراع های زیر را با توجّه به آرایه های « تشخیص ، کنایه و تشبیه » بررسی کنید.

- ای چون سبزه بر آمده از دفتر روزگاران (تشبیه : تو چون سبزه برآمده ای / روزگاران چون دفتر است)

- ای کشتی های صیادی که مقاومت پیشه کرده اید! (تشخیص)

- بگذار بوسه زنیم بر شمشیری که در دستان توست. (کنایه : بوسه زدن : قابل ستایش بودن)

۲) کدام واژهٔ مشخّص شده ، « استعاره » به شمار می آید ؟ مفهوم آن را بنویسید.

« ای مسافر دیرین بر روی خار و درد / ای چون ستاره ، فروزان» خار: استعاره از درد و رنج و سختی

۳) شاعر ، « باران ها » و « فصل ها » را در کدام مفاهیم نمادین به کار برده است؟

باران: نماد طراوت و سرزندگی فصل ها: نماد تغییر و دگرگونی

٤) از متن درس ، دو نمونه مراعات نظیر بیابید. باران ، عطر ، غنچه - کشتی ، ماهی ، دریا ، صیّادی

قلمرو فکری :

۱) دریافت خود را از سرودهٔ زیر بنویسید:

« تو را جنوب نامیدم / ..... / ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمانِ بَرین / پیوند خورده ای ».

به انقلاب مردم لبنان علیه اشغالگران رنگ و بویی خدایی بخشیدی.

۲) در سرودهٔ زیر: « ای سرزمینی کز خاکت / خوشه های گندم می روید/ و پیامبران بر می خیزند ».

الف) کدام سرزمین مورد خطاب است؟ جنوب لبنان

ب) مقصود شاعر از مصراع های دوم و سوم چیست؟ اشاره به طبیعت و سرشتی است که این سرزمین ها دارند همان گونه که گندم از زمین سر بر می آورد پیامبران نیز از این سرزمین برانگیخته شده اند.

۳) از متن درس ، مصراعی را معادل معناییِ قسمت مشخّص شده بیابید:

«تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن/ و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم». جواب: ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی.

٤) قبّانی در این بخش از شعرش بر چه نکته ای تأکید دارد؟ « ای که ردای حسین بر دوش داری / و خورشید کربلا را در برداری... ».

اهداف حسینی داری و امام حسین (ع) راهنمـای تو است.

گنج حکمت **مزار شاعر**

تیمور لنگ ، گاه سوار بر اسبی که لگامی زرّین داشت .....

قلمرو زبانی: لِگام: دهنه ، افسار / زرّین : طلایی- صفت بیانی نسبی / نیا: جد ، پدربزرگ / زائر: زیارت کننده / نامدار: معروف / شاعر ایرانی: بدل فردوسی / چنگیز: بدل / آهنین: صفت بیانی نسبی / آرمیدن: آسودن، خوابیدن / کشور گشا: صفت فاعلی مرکب مرخم

قلمرو ادبی: سرگرم بودن: کنایه از مشغول بودن / سر فرود آوردن کنایه از: احترام گذاشتن / گشودن توس: کنایه از فتح کردن یا تصرف کردن / دست برداشتن : ترک کردن، منصرف شدن / غرق چیزی بودن: سرشار از چیزی بودن / بر خود لرزیدن : ترس و اضطراب / به سر بردن: کنایه از زندگی کردن / در معبد آرمیدن: کنایه از دفن شدن

مفهوم : اعمال و رفتار انسان ها بازتاب دارند و به خودشان برمی گردند. وآثار انسان های برجسته و ظالمان روزگار حتی بعد از مرگشان، ماندگار است.

درس هجدهم: **عظمتِ نگاه**

بند اول : ناتانائیل آنگاه که ..... به خود بپردازی.

قلمرو زبانی: ناتانائیل(منادا): یک مخاطب و شخصیت خیالی / کاش: شبه جمله

قلمرو ادبی: پرداختن به ، کنایه از: توجه کردن و شناختن / پرواز، استعاره از حرکت به سوی معنویت

قلمرو فکری: مفهوم این بند: بهره گیری از کتاب برای خود شناسی.

بند دوم : ناتانائیل ،. هر آفریده ای نشانهٔ ....که بدان نگاه می کنی .

قلمرو زبانی: معطوف : بازگردانده شده/ تصور : گمان ، پندار / ناتانائیل: بدل / درنگ : مکث، / ناتانائیل: منادا

قلمرو ادبی : همه و هیچ ، است و نیست: تضاد / هر آفریده ای .... نیست: پارادوکس / خدا همه جا هست و نایافتنی است: پارادوکس

قلمرو فکری: عدم توانایی شناخت خدا / خداوند در همه جا هست / جاودانه بودن خداوند / فانی بودن همه غیر از خدا / ای کاش « عظمت » در نگاه تو باشد: آرزو می کنم که اندیشه ات شکوهمند باشد.

بند سوم : ناتانائیل ، من به تو شور .....دیگر سوخته است.

قلمرو زبانی: فسفر عنصر شیمیایی با رنگ زرد روشن که در مجاورت هوا مشتعل می شود. / جمله اول چهار جزئی با مفعول و متمم

قلمرو ادبی: تشبیه: « اعمال ما وابسته به ماست، هم چنان که روشنایی فسفر به فسفر » (نسبت اعمال ما به ما (مشبه) . نسبت روشنایی فسفر به فسفر(مشبه به)وابسته بودن: وجه شبه) / « سوخته است »: کنایه از « رنج و سختی کشیدن » / مراعات نظیر: روشنایی و فسفر

قلمرو فکری: ارتباط معنایی دارد با : « این جهان کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا »

«هرکه در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند »

مفهوم این بند : رسیدن به تعالی به خود ما بستگی دارد. / اعمال ما ما را می سوزاند: اعمال ما وابسته به ماست؛ راست است که ما را می‌سوزاند امّا برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می آورد و اگر جان ما ارزش داشته باشد برای این است که سخت تر از جان های دیگر سوخته است.

بند چهارم : نیکوترین اندرز .....، صاف و روشن است.

قلمرو زبانی: اندرز: پند، نصیحت/ نیکوترین اندرز: ترکیب وصفی / نیلگون: به رنگ نیل (آبی سیر)/ آه: شبه جمله

قلمرو ادبی: بار به دوش گرفتن: کنایه از خدمت کردن یا پذیرفتن سختی کاری (تحمل کردن) / مانند کردن چشم به آسمان و آسمان به نیل: تشبیه

قلمرو فکری : (مفهوم بند: کمک به دیگران / طرز فکر و نگرش جدید)

بند پنجم : ناتانائیل ، با تو ..... چمنزارها غرق در شبنـــم بودند.

قلمرو زبانی: برمی خاست: بلند می شد. (اهمیت املایی و معنایی) / ناتانائیل: منادا

قلمرو ادبی: انتظار کشیدن دشت و پذیرای آب شدن: تشخیص / سبک شدن گرد و غبار: کنایه از خشکی بیش از حد زمین / باران و خشکی: تضاد – زمین و هوا : تضاد / ترک خوردن زمین برای خواستن آب بیشتر: حسن تعلیل

قلمرو فکری : توصیف پایان شب و رسیدن صبح

بند ششم : آسمان را دیده ام .... غرق در شبنم بودند

قلمرو زبانی : سپیده دم : صبح زود

قلمرو ادبی : انتظار کشیدن آسمان و رنگ باختن ستاره ها : تشخیص / لرزیدن کنایه از : اشتیاق فراوان داشتن / رنگ باختن کنایه از: غروب کردن، ناپدید شدن / غرق در ... شدن کنایه از زیاد بودن / اغراق : غرق در شبنم بودن / سپیده دم، آسمان، ستاره، چمنزار، شبنم: مراعات نظیر

بندهفتم : ناتانائیل، کاش هیچ انتظـــاری ..... به چه کار می آید؟

قلمرو زبانی: تملک : مالک شدن ، دارا شدن – تصاحب : صاحب و مالک چیزی شدن

قلمرو ادبی: رنگ هوس نگرفتن « از روی هوس نبودن چیزی » / تشبیه: (چشمان: مشبه . آسمان نیلگون : مشبه به . صاف و روشن بودن : وجه شبه. مانند: ادات) / تشخیص: انتظار کشیدن دشت / زمین پذیرای آب شود / در انتظار بودن آسمان / مراعات نظیر: آسمان و ستاره ها / چمنزارها و شبنم / هوا و زمین

قلمرو فکری: مفهوم این قسمت : همهٔ پدیده ها در انتظار هستند. (تسلیم در برابر خدا و تقدیر او . بی ارزش بودن هوا و هوس)

بند هشتم ونهم : ناتانائیل، تنها خـــداست ..... یگانه دارایی آدمی ، زندگی است.

قلمرو زبانی: تمایز : فرق گذاشتن، جدا کردن / قائل: پذیرفتن / بامداد: صبح سپیده دم / پگاه : صبح زود

قلمرو ادبی: خدا وجود خوشبختی: مراعات نظیر / شامگاه، بامداد: تضاد / فرو می‌رود و زاده می‌شود: تضاد / مانند کردن زندگی به دارایی: تشبیه / فرو مردن: کنایه از غروب کردن / زاده شدن: کنایه از طلوع کردن / درد سر: کنایه از مشکلات

قلمرو فکری: مفهوم : یکی بودن خوشبختی و خدا – توصیه به داشتن جهان بینی تازه – شگفت زده شدن نسبت به پدیده ها – زندگی، تنها دارایی انسان

بند دهم و یازدهم : برای من « خواندن ..... گستردهٔ تو دل انگیز است.

قلمرو زبانی: مرجع ضمیر « آن »: شن های ساحل / مبتنی: بنا شده، ساخته / نثار: پیشکش کردن، افشاندن / گستره: عرصه، میدان / نفی علم ظاهری (اطمینان و یقین که از راه دیدن حاصل شود.) / (توجه به زیبایی های معنوی در زمین ، تجلی زیبایی)

قلمرو ادبی: تناسب: شن و ساحل / چشم: مجاز از « نگاه، نظر، عقیده » / حس آمیزی: زیبایی لطیف / مهرم را نثار کنم ، کنایه از : « عاشق شدن » / شن نرم : پارادوکس/ زیبای عاشقانه زمین: تشخیص

قلمرو فکری: مفهوم : تأکید بر تجربه های شخصی و دانش عملی *زیبا و دلنشین بودن تمامی پدیده های جهان مائده های زمینی و مائده ها ی تازه ، آندره ژید

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی:

۱- کدام واژه ها ، در متن درس ، برای شما جدید و غیر تکراری است ؛ معنای هر یک را بنویسید.

۲- یک بند بنویسید و در آن ، سه نشانهٔ ندا به کار ببرید.

ناتانایل با تو از انتظار سخن خواهم گفت - ای عقل مرا کفایت از تو - سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز ....

۳- در جملهٔ زیر نقش دستوری واژه های مشخّص شده را بنویسید:

- « ناتانائیل ، من به تو شور و شوقی خواهم آموخت».

منادا نهاد متمم مفعول

قلمرو ادبی:

۱- عبارت زیر را از نظر آرایه های ادبی بررسی کنید:

« آسمان را دیده ام که در انتظار سپیده دم می لرزید. ستاره ها یک یک ، رنگ می باختند. چمنزار ها غرق در شبنم بودند».

تشخیص (آسمان در انتظار باشد) / « می لرزید » : کنایه از اشتیاق فراوان / تناسب (آسمان و ستاره / چمنزار و شبنم) / کنایه (رنگ باختن : محو شدن) اغراق (غرق در شبنم بودنِ چمنزارها)

۲- در بند چهارم از متن درس، یک « کنایه » بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

« سوختن » : کنایه از « رنج و عذاب و سختی کشیدن »

قلمرو فکری :

۱- نیکو ترین اندرز نویسنده چیست ؟ در بارهٔ آن توضیح دهید. بار بشر را بر دوش گرفتن

۲- نویسنده در بارهٔ « انتظار » چه دیدگاهی دارد؟ همهٔ پدیده ها در انتظار هستند

۳- هر یک از موارد زیر ، با کدام بخش از متن درس ، تناسب معنایی دارد؟

- به جهان خرّم از آنم که جهان خرّم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست سعدی

هرگز هیچ زیبایی لطیفی را در این جهان ندیده ام که بی درنگ نخواسته باشم، تمامی مهرم را نثارش کنم. ای زیبای عاشقانهٔ زمین ، شکوفایی گستردهٔ تو دل انگیز است.

- بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو کجا دیدی که بی آتش، کسی را بوی عود آمد مولوی

اعمال ما وابسته به ماست، هم چنان که روشنایی فسفر به فسفر. راست است که ما را می سوزاند ، امّا برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می آورد. و اگر جان ما ارزشی داشته باشد، برای این است که سخت تر از برخی جان های دیگر سوخته است.

- غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را فروغی بسطامی

آرزو مکن که خدا را جز در همه جا ، در جایی دیگر بیابی. هر آفریده ای نشانهٔ خداوند است، امّا هیچ آفریده ای نشان دهندهٔ او نیست.

٤- کدام عبارت درس ، به مفهوم آیهٔ شریفهٔ « لا تُدرکهُ الابصار و هُوَ یُدرِکُ الابصار » (انعام ، آیهٔ ۱۰۳) ارتباط معنایی دارد؟

« هر آفـریده ای نشـانهٔ خداوند است، امّا هیچ آفریده ای نشـان دهنـدهٔ او نیست » و « خـدا در همه جا هست؛ در هر جا که به تصور درآید، و نایافتنی است. »

٥- جملهٔ « ای کاش، عظمت در نگاه تو باشد»، را با سرودهٔ زیر از سهراب سپهری مقایسه کنید.

« چشـم ها را باید شست ، جور دیگـر باید دید».

در هر دو متن می گوید باید نوع نگاه را عوض کرد، در هر دو عدم تقلید را مورد تأکید قرار می دهد . تغییر را باید از خود شروع کرد. پدیده ها ذاتاً زیبا هستند.

٦- در عبارت زیر، نویسنده بر چه چیزی تأکید دارد؟ توضیح دهید.

برای من « خواندن » این که شن ساحل ها نرم است ، کافی نیست؛ می خواهم پای برهنه ام این نرمی را حس کند. معرفتی که قبل از آن احساسی نباشد ، برای من بیهوده است». تجربهٔ شخصی

روان خوانی **سه پرسش**

یک روز این فکر به سـر تزار افتـاد که اگر همیشه بداند چه وقت باید کارها را شروع کند.....

قلمرو زبانی: تزار: پادشاهان روسیه در گذشته / چاووش در داد: جار زد، بانگ زد / چاووش: کسی که پیشاپیش قافله حرکت می کند و آواز می خواند. / رایزن: مشاور / اندیشه وَر : اندیشمند / پیشامد: رخداد، حادثه

قلمرو ادبی: مو به مو اجرا کردن: کنایه از « بسیار دقیق انجام دادن کاری »

پاسخ فرزانگان به پرسش دوم تزار نیز به همین اندازه گونه گون بود. گروه اوّل گفتند که .....

قلمرو زبانی: کشیش: پیشوای مذهبی، روحانی مسیحی / راهب: عابد مسیحی / ژنده: کهنه، فرسوده / باغچه می بست: باغچه درست می کرد / کرت: قطعه کوچک زمین که در آن چیزی کاشته باشند.

قلمرو ادبی: باریک میان: کنایه از « لاغر»

تزار نزد او آمد و گفت: « ای راهب فرزانه ، نزد تو آمده ام که .....

قلمرو زبانی: فرزانه مرد: ترکیب وصفی مقلوب (مردِ فرزانه) / چنبر: دایره، حلقه / جویا: جستجوگر، ورانداز کردن: اندازه چیزی را با نگاه تعیین کردن

قلمرو ادبی: تشبیه: مثل مار چنبر زد.

درک و دریافت:

۱- کدام شخصیّت داستان بیشتر مورد توجّه شما قرار گرفت ؟ چرا ؟

۲- پاسخ شما به پرسش سوم تزار چیست؟

نیایش **الهی**

الهی ، به حُرمت آن نام که تو خوانی و به حُرمت آن صفت که تو چنانی ، دریاب که می توانی.

الهی، عاجزم و سرگردانم ؛ نه آنچه دارم ، دانم و نه آنچه دانم ، دارم.

الهی ، در دل های ما جز تخم محبّت مکار و بر جان های ما جز الطاف و مرحمت خود منگار و بر کِشت های ما جز باران رحمت خود مبار. به لطف ، ما را دست گیر و به کَرَم ، پای دار.

الهی ، حجاب ها را از راه بردار و ما را به ما مگذار.

قلمرو زبانی : الهی : منادا / منگار : نقش مبند، منگار / مبار : فعل نهی / کَرم : بخشش ، لطف

قلمرو ادبی : تخم محبت : اضافه تشبیهی / کشته ها : استعاره از اعمال انسان / باران رحمت : اضافه تشبیهی / دست گرفتن: کنایه از حمایت کردن / تکرار : دانم / مگذار : کنایه از رها نکن / پای دار : ثابت قدم بودن

خواجه عبدالله انصاری